

دوست عزیزم آقای نورتصا میر آشنایی

نامه بر محبت و سیر حاصل شده است که در عذری را می‌باید آورد که از مجمع نویسندگان بومی گیسوم و در راه سوگفتند  
خبر در شان آرزو دارم که می‌خواهم بخوانی و نظرات را بگویم. گفتم با کمال میل بهمن الان بپسندید گفتند نه. بهر است آیات  
و فردا یعنی فردا بدم. آن فردا یعنی فردا، شش سال شد و «چنین است آئین گردان سپهر» ... حالات خانه تسکین  
چاپ شده آن در استان در اینجوانم و به شما هم نامه بفرستیم که کار نویسندگی را فعالانه ادامه می‌دهیم. خوش بایستد!  
اما از حوری وطن و مایان رعایت کرده‌اید. با این نژاد است آشنایم و همیشه با خودم همراه کرده‌ام که:

«بلبل عائن تو عمر خواه که آخر - باغ شود بنزد و سرخ طل بدر آید» ...

لا اله الا الله محمد رسول الله است که در راه چاپ شد. اما نهادیم نظر را که شعر شما تازه است یا تجدید چاپ  
شکر ما هم دوست بسیار عزیزم به شما گفته‌ایم که می‌افزاید بسیار کتاب زده مجموعه کوهی به نام «ای باد کز ط» در لندن  
به چاپ خانه برده‌ام که قرار است بزودی حاضر شود. این کار در اثر توفیق دوستان و اصرار شما انجام شده که نمی‌توانم بگویم  
سخت بسیار شده بودم رفتی پسیم که فعلاً زنده‌ام و چه خوب است.

چون نظر شما در مورد چاپ شعرم ننزد نماه‌ام. فکر می‌کنم بهتر است کتابی مثل «ای باد کز ط» را بکنیم و بعد از آن  
به مجموعه «اگر بر زارم دایم» (ای باد کز ط) و «البرزنی سگت» و «ای باد کز ط» بدوین می‌کنیم و بعد از آن  
می‌توان انتشار داد. من شما می‌کنم سوختی از این سه مجموعه انتخاب کنم و فهرست آنرا بر آیدان بفرستم و شما هم نظرتان  
را خواهید گفت. شاید کتاب بدی شود. امید دارم. عارت عمرها نویسندگی من این بوده که کتابی که از این نشر  
شود به ناز می‌دهد ترجمه آن تمام این از آنکه بخش شود به یاد بینم. ممکن است این کار چاپ را عقب بماند (از)  
اما نتیجه بهتر خواهد بود. بنیابرای این عزیزان را از شما دارم. قرار داد را همراه فهرست اشعار خواهم فرستاد.

به رخصتی برای خید مای به الان در این شماره ویدیع را می‌باید و پیام آنی بر مهر که در چشمی عزیز و حتی نامه کتبی را  
به او می‌رسانم و می‌دانم که فوق العاده خوشحال خواهد شد. سلام او کو کورا بپسندید. با این نامه امر این نشان لندن  
که در این بپسندید فقط شماره خانه ۷۳ شده است که قبلاً ۵۷ بود و تلفن هم ۹۹۲۴۴۷۳ و نام پیرم همداد  
است. از نامه دو کانه نامه و کتاب شماره این من خواهد رساند.

به امید دیدار از ادبی هم نه‌نما ضح و اطمینان به استیسه:

در گریه‌ها عمر با گذشت باز بر طرف چمن  
خجسته گل بر سرشش ای مرغ خوشحال غم نخور

دوستتان  
زاده

لندن ۲۰ دسامبر ۱۹۸۵